

معلولیت، نباید سبب محرومیت گردد!

چهارشنبه ۲۸ عقرب

معلولیت یک پدیده‌ی بشری است که زندگی انسان‌ها در طول تاریخ از آن فارغ نبوده است. در واقع معلولیت همزاد زندگی بشر بوده است؛ آنچه که موجب تفاوت یا کاهش و افزایش معلولیت در جوامع گردیده است علل یا زمینه‌های معلولیت است. مسئله معلولیت در جامعه همانند بسیاری از پدیده‌های دیگر بشری می‌تواند از زوایای گوناگون مورد ارزیابی قرارگیرد و همینطور جامعه به تناسب شرایط، وضعیت و سطح آگاهی و برخورداری به موضوع معلولیت نگاه‌های متفاوت دارد. بر اساس برآوردهای انجام یافته گفته می‌شود نزدیک به ده درصد جمعیت جهان را اشخاص دارای معلولیت تشکیل می‌دهند. از این میزان ارائه شده بیشترین رقم کشورهای جهان سوم را معلولین تشکیل می‌دهند.

در باب ریشه‌های معلولیت بطور کلی دو عامل در وجود آمدن معلولیت زیاد نقش دارد: عامل طبیعی و دیگری عامل غیرطبیعی (بیماری، جنگ، آسیب‌های گوناگون و...).

جامعه ما نیز به مانند هر جامعه‌ای دیگر افراد و اشخاص دارای معلولیت خود را در خود داشته است. شاید آنچه که در گذشته موضوع معلولیت مورد توجه قرار نداشته است اولاً عدم آگاهی عمومی است؛ دوماً فقدان امکانات و زمینه اطلاع رسانی می‌باشد. به تناسب رشد اجتماعی و افزایش آگاهی جامعه و توسعه امکانات اطلاع رسانی مسئله معلولیت اکنون بدل به یک موضوع حاد و جدی اجتماعی گردیده است که بسیاری از موضوعات حقوقی، سیاسی و اجتماعی را تحت تاثیر قرار داده است. متأسفانه سه دهه جنگ و بحران سیاسی، نظامی و اجتماعی، تعداد معلولین را در افغانستان بیش از سایر کشورها، به گونه قابل ملاحظه‌ای افزایش داده است. گفته می‌شود که نزدیک به دو میلیون نفر دارای معلولیت بوده و از پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن رنج می‌برند. هرچند واقعیت آنست، (این‌که تاچه تعداد از این معلولین، در اثر جنگ‌های خانمان‌سوز دچار معلولیت شده‌اند و به چه تعداد دیگر از این افراد دارای معلولیت مادرزادی یا طبیعی‌اند، آمار دقیقی در دست نیست. گزارش‌های نشر شده، هرچند معلومات اولیه را در اختیار می‌گذارد، اما آمار و اطلاعات دقیق را در اختیار قرار نمی‌دهد. تأسف دیگر در این است با در نظر داشت اینکه هنوز جنگ و بحران در کشور جریان دارد، متأسفانه معلولیت افراد جامعه نیز به نقطه توقف نرسیده است. هم‌چنین عدم دسترسی بخش‌هایی از جامعه به صحت و امکانات بهداشتی سبب گردیده است که روند دچار شدن افراد جامعه به معلولیت تقویت گردد.

به هر روی با توجه به ارقام و معلومات اولیه در باره اشخاص دارای معلولیت در جامعه، توقع جدی برده می‌شود تا هرچه بهتر و بیش‌تر برای افراد دارای معلولیت، کار و هزینه لازم اختصاص داده شود، سهولت‌ها و امکانات لازم فراهم گردد تا آنان نیز هم چون افراد سالم، جذب جامعه شده و نقش خود را در عرصه‌های مختلف به شایستگی ایفا نمایند. نادیده نباید گرفت که وزارت دولت در امور شهدا و معلولین، به سهم خود من حیث یک نهاد دولتی خدمتگزار برای قشر دارای معلولیت، با سیستم سازی منظم، تامین شفافیت و ختم بروکراسی برای این قشر خدمات شایانی را در عرصه‌های مختلف فراهم نموده است.

همانطور که گفته شد بر اساس واقعیت‌های دریافتی و شواهد متقن کاملاً روشن است که معلولیت هرگز به معنای محرومیت نیست؛ هیچ انسانی فقط به دلیل داشتن نقص یا کاستی جسمی از حقوق انسانی و بشری خود محروم نمی‌گردد که هیچ‌کسی دیگری نیز حق ندارد که حقوق و کرامت شخص دارای معلولیت را زیر سوال قرار دهد؛ بلکه در مقابل همه افراد جامعه مسئولیت دارند که در احترام نهادن و رعایت حقوق یکدیگر و حفظ کرامت و شخصیت هم مساعی جدی و نهایی را بخرج دهد. در این راستا کاملاً طبیعی و مهم به نظر می‌رسد که جامعه برای دسترسی افراد دارای معلولیت به حقوق انسانی شان و منزلت و جایگاه شایسته انسانی شان در جامعه بایستی راهکارهای مناسب و سهولت‌های لازم را فراهم گرداند.

بخش بزرگ معلولین کشور وارد کورس‌های سوادآموزی و هم‌چنین آموزش‌های حرفه‌ای و مسلکی شده‌اند و این مراکز برای باسواد و مسلکی ساختن معلولین از سوی وزارت دولت در امور شهدا و معلولین تاسیس شده است؛ هم‌چنین سعی گردیده که از لحاظ قانونی نیز با تصویب قانون تحت پوشش قرار گرفته و معاش ماهوار دریافت دارند. شامل سازی در بورس‌های تحصیلی داخلی و خارجی و همچنان طبق متن تفاهم‌نامه‌ی امضا شده میان این وزارت و کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی، با ۵ نمره امتیازی شامل وظیفه می‌شوند، از کارکردهای اساسی این وزارت است.

واقعیت روشن آنست که جامعه معلولین نیازمند توجهات جدی است. زیرا بدلیل مشکلات شدید آنان از قبیل بی‌سپنهای و مشکلات اقتصادی و در نتیجه تحصیل این قشر در معرض فشارهای شدید روحی و روانی اند. آنان بعنوان شهروندان جامعه نباید چنین احساس نمایند که معلولیت جسمی سبب محرومیت آنان از حقوق انسانی و قانونی شان می‌گردد. حکومت و نهادهای ذیربط حقوق بشری و در ارتباط با جامعه معلولین مسئولیت دارند که تمهیدات لازم را فراهم گردانند. یکی از اقدام‌های اساسی این است که بعنوان پیش درآمد برای تامین جایگاه شایسته اشخاص دارای معلولیت در جامعه انجام کار فرهنگی یا فرهنگ سازی حقوق معلولین است. راهکار فرهنگ سازی ایجاب می‌نماید که مسئولین مربوطه در زمینه بهبود وضعیت معلولین در جامعه فرهنگ‌سازی نمایند، آنان بایستی یک تعریف تازه و مطابق به واقعیت از معلولین برای جامعه معلولین و کل جامعه ارائه دهند. باید به جامعه فهمانده شود که اصولاً معلولیت یک

قهر الهی و یک طاعون مخوف اجتماعی و معلول، انسانی مفلوک، عاجز و شایسته کنار نشستن و تنهایی نیست، بلکه معلولیت انحرافی است در مسیر روابط طبیعی، علی و معلولی و معلول حادثه‌دیده‌ای است در این فرایند ناخوشایند.

بنابر این، زمانی که معلول به خوبی شناخته شود و توانایی و ضعفش به درستی در جامعه انعکاس یابد، حقوق و تکلیف او نیز مشخص می‌شود؛ به عبارتی حقوق و تکلیف را ویژگی‌های یک نقش تعیین می‌کند. لذا حقوق و تکلیف شخص معلول نیز در سایه ویژگی‌های نقش او تعریف گردد. در این‌جاست که تحقیر و ترحم در مورد معلول بی‌معنا می‌شود و معلولیت محدودیت اگر باشد ولی هرگز توجیه‌کننده محرومیت نیست.

نوشته: سیفالرحمن عیار لمر

منابع: حبیب صبوری و خسرو شاهی. جایگاه معلولیت از نظر دین مقدس اسلام. حقوق معلولین بالای شهروندان در اجتماع. جنگ، فقر و معلولیت.